

# در پیشمرگ

دیدم که تعدادی بچه‌های سیجی بالندکروز در طول جاده پخش می‌شدند و غروب دوباره همان ماشین بچه‌ها را سوار می‌کرد. در برگشت امکان داشت خیلی از بچه‌ها به‌دست کومله به‌شیوه‌ای فجیع شهید شوند؛ آنها از داعش بدتر بودند و آلان ادای پوزرسیون درمی‌آورد. نمایش این فجایع برای شناسایی فسقوت کومله در سینما امکان پذیر نیست و تماشاگر هم تحمل نمی‌کند. همین حالا هم سینمای جنگ مهجور است، چه رسد به این‌که بخواهیم این جنایات را نمایش دهیم. شهید قهاری در مراسم تودیعش در شهر یزد می‌گوید من از یزد می‌روم اما التماس می‌کنم سال دیگر دعا کنید این‌موقع شهید شده باشم. طبق تاریخ، یک‌روز قبل از یک‌ساله‌شدن شهید شد. اگر این‌ها را در فیلم بیاوریم، می‌گویند شعار است. همه‌قصه‌های مربوط به نفوذ کومله و دیگر مسائل نیز ترکیب شده بود؛ یعنی اگر صحبت‌های خانم رسولی و مشکلاتی که در این ۱۵سال در طول زندگی مشترکش داشت را بشنوید، ممکن است باور نکنید. ایشان کتابی در قالب خاطرات زندگیش با شهید قهاری منتشر کرده که ما نمی‌توانستیم خانواده را در فیلم بیاوریم، چون حق خانواده بیشتر از همین چندنما در فیلم است. به‌تصویر درآوردن نفوذ حزب کومله در فیلمی که حرف امروز را بزند و نسبت به خانواده وفادار باشد، خیلی سخت است. علاوه‌براین، پروژه از لحاظ اجرا، جابه‌جایی ولجستیک در شهرهای مختلف، امکان کارکردن و ماجراهای وعده صادق و متوقف‌شدن کار و شهادت آقای رئیس‌ی و اسماعیل هنیه از جمله مسائلی بود که برای ما به‌وجود آمد. شاید گفتن این‌که بالگرد روی کفی یک تریلر قرار بگیرد، ساده‌باشد اما وقتی وارد انجام کار می‌شوید، بوروکراسی‌هایی داریم که خیلی اذیت‌کننده است. درآوردن صحنه‌ای که بالگرد روی کفی تریلر با ملخ روشن برود، خیلی سخت است.

❧ واکنش مخاطبان بعد از تماشای فیلم چگونه بود؟

معتقد بودیم اگر همین یک جمله که شهید قهاری درباره حفظ عزت و شرف می‌گوید، در فیلم درست دربیاید، ما کارمان را انجام داده‌ایم. لحنه‌ای که بالگرد روی زمین در حال حمل‌شدن نشان

داده می‌شود، خیلی درخشان است و حس غرور ملی تمام مخاطبان برانگیخته می‌شود. ابتدا تصور می‌کردم شاید آنجا و در محیط برج میلاد این حس و هیجان ایجاد می‌شود اما وقتی به سالن‌های دیگر در شهرستان هم رفتیم، دیدیم این حس و هیجان وجود دارد. به من انتقاد می‌کردند قطره در صحنه آخر شهید قهاری جلوی تمام کومله‌های نفوذی می‌ایستد و حتی یک گلوله هم نمی‌خورد؟... اصلا این موضوع عمدی بود و قصد داشتم به این اشاره کنم که این‌فرد جلوی دشمن سینه سیر می‌کند و می‌گوید این گلوله‌ها به من بخورد اما به بالگرد نخورد. بالاخره سینما، درآوردن همین لحظه‌هاست. وقتی این فیلم را با تماشاگر می‌دیدیم، به این نتیجه رسیدیم که مردم با هر سلیقه و گرایش سیاسی، وقتی نام وطن، عزت، شرف و خاک را می‌شنوند، شخصیت‌هایی که در این راه مجاهدت می‌کنند را دوست دارند. وقتی بالگرد در فیلم پرواز می‌کرد، در بخش‌هایی تماشاگر به سمت پرده سینما می‌رفت و از جوشحالی بلند فریاد می‌زد و الله‌اکبر می‌گفت. به نظرم سینمای ما چنین حسی را کم دارد و باید تقویت شود. اصلا نفس و باور تماشاگر باید به فیلمساز بخورد. روزی که فیلم در جشنواره نمایش داده شد، سالن پر بود و نگران واکنش‌ها بودیم اما وقتی بحث سرزمین و عزت باشد، هیچکس گارد ندارد. در برج میلاد واکنش‌های مثبت حداقل پنج نوبت بود که اولین سکانس مربوط به هلی‌شات از بالگرد بود. در بخش‌هایی از پشت صحنه که بچه‌ها در شهرستان گرفته بودند، میان این‌ها خانمی ۶۵ ساله بود که به شدت تحت تأثیر شهادت مرتضی به‌عنوان هم‌رمز شهید قهاری قرار گرفته بود و دوست نداشت شهید شود. کشورهای مختلف هم درباره دیگری‌ها و جنگ‌های مختلف جهانی اول و دوم فیلم‌هایی ساختند و سعی کردند، عزتشان را به رخ بکشند. اگر سینمای ما به‌این سمت برود، گنج سرشاری از این موضوعات و شخصیت‌ها داریم که امکان کار دارد. البته این نه تنها فقط در دفاع مقدس بلکه در عرصه‌های مختلف علمی و ورزشی هم صدق می‌کند.

**مهیار شاپوری**؛ یکی از مواردی که نسبت به آن ایراد می‌گرفتند، این بود که چرا آن بخش که خلبان و شهید قهاری با هم به زبان آذری صحبت می‌کنند را زیرنویس نکردیم اما این دیالوگ چندان اهمیت راهبردی در فیلم نداشت. در واقع مخاطب دوست نداشت یک دیالوگ ریز را هم از دست بدهد. من خودم که زبان آذری بلد نبودم، می‌پرسیدم چه می‌گوید که اگر پرسیدند، بتوانم جواب دهم.

❧ آقای زینال خیری شما در جایی گفته بودید که ما در ساخت فیلم‌هایی از قهرمانان خود عاجزیم. دلیلتان برای طرح این مساله چیست؟
کارهای مرتبط به دفاع مقدس نیاز به لجستیک نظامی دارد و هماهنگی آن به دلیل استانداردهای موجود در نیروهای مسلح و فیلمسازان خیلی سخت است. بزرگترین سختی این است که فیلمسازان باید با استانداردهای نیروهای مسلح و نیروهای مسلح هم باید با سلیقه و کار فیلمسازان آشنا باشند. وقتی مسائل مالی در کنار این مسائل قرار می‌گیرد، موجب می‌شود تهیه‌کنندگان و کارگردانان کمتر

سمت آن بروند. معتقدم کارهای مربوط به شهدا نوعی روزی است و خود شهید باید بخواهد و اجازه دهد. از لحاظ بحث اداری و آشنایی با روند فیلمبرداری، عده‌ای کم‌کاری می‌کنند، چون هنرمند می‌خواهد زحمت‌ها و کارهای دیده نشده آنها را نمایش دهد و معرفی کند. ما همواره حمایت فرماندهان را داریم اما متأسفانه در لایه‌های پایین دچار ممیزی و کج‌سلیقگی می‌شویم؛ چون این افراد از جنس فیلمسازی نیستند که اگر باشند، بهتر درک می‌کنند و می‌فهمند. گاهی آفیش کاری که چندین ماه برایش زحمت کشیدیم، به هم می‌خورد. چفت کردن تمام این دو گروه سخت است اما معتقدم اگر واقعا انگیزه در این رابطه باشد، شدنی است. همچنان که فیلمسازان نشان دادند اگر شرایط مهیا باشد، انگیزه لازم برای ساخت فیلم درباره قهرمانان کشورشان و شهدا از جمله شهید قهاری دارند. در این سال‌ها اخبار اختلاس‌های مختلف به گوش جوانان و نوجوانان ما می‌خورد و آنها نیز می‌گویند، همه در حال بردن هستند اما هیچکس نگفت ما قهرمانانی در کشورمان داریم که جانشان را دادند و اجازه ندادند یک پیچ از کشورمان به جای دیگر منتقل شود و شهید قهاری یکی از آنها بود و این شرایط را می‌توانید به دیگر شهدا هم بسط دهید. اگر دشمنان یک ماشین جیب از ما می‌بردند، بچه‌ها یک تانک می‌آوردند. متأسفانه بسیاری در این راه جانانشان را دادند و هیچکس به عمد یا غیرعمد به نوجوانان ما این مسائل را منتقل نکرد و نشان نداد که اگر پنج نفر از این کشور اختلاس کردند؛ ما هزاران شهید دادیم که حتی یک چوب کبریت از کشور خارج نشود و دشمن دست‌درازی نکند. شنیدن تمام اینها باعث دلگرمی و افزایش انرژی نوجوانان می‌شود. ما زمانی می‌توانیم فرهنگ خوبی در کشور داشته باشیم که تبدیل به هنر شود؛ تا وقتی فرهنگ کشورمان در تمام زمینه‌ها از قبیل شهادت، وطن‌دوستی و غیره به فرهنگ واقعی تبدیل نشود، تأثیرگذار نخواهد بود. متأسفانه اکثر مدیران فرهنگی ما از جنس فرهنگ و هنر نیستند، چون اگر از این رسته باشند، با رصد فیلم‌ها و محصولات فرهنگی، مردم را برای رفتن به سینما ترغیب می‌کنند. تا زمانی که حمایت کم‌رنگ باشد، همچنان باید خودمان را به زمین و زمان برنیم تا یک اثر فرهنگی و هنری دیده شود. ما از صدا و سیما و شهرداری که در روع خود برای تبلیغ فیلم کمک کردند، سیاست‌گزار اما بروکراسی اداری تبلیغات سه ماه طول می‌کشد و مسئولان باید برای دیده شدن آثار از جمله آثار ارزشی، کاری انجام دهند. تخصص من آقای غفاری در حیطه تولید فیلم است نه تبلیغات و حمایت. از طرف دیگر ما فقط چهار یا پنج شهر مثل تهران، اصفهان و شیراز داریم که می‌تواند آمار فروش را تکان دهد و مشکل عمده ما این است که اکثر شهرهای ما سینما ندارند و در زمینه زیرساخت فرهنگی مشکل داریم. ما چندین ماه برای فیلمبرداری یک اثر تلاش می‌کنیم تا استانداردهای تصویر و رنگ را رعایت کنیم اما فیلم در سالن‌هایی اکران می‌شود که تجهیزات تصویری مطلوبی ندارد و این شامل برج میلاد هم می‌شود.

❧ قبل از به‌عهده‌گرفتن تهیه‌کنندگی فیلم پیشمرگ، تا چه اندازه شهید قهاری سعید را می‌شناخید؟

من شهید قهاری سعید را اصلا نمی‌شناختم و فقط به صورت

گذری در اتوبان عکسش را دیده بودم. قبل از آن کاری دیگر به من پیشنهاد شده بود اما شرایط تولید آن فراهم نشد تا این‌که فیلم پیشمرگ به من پیشنهاد شد و فقط نامش را شنیدم و حتی اطلاعاتی از موضوعش نداشتم. زمانی‌که فیلم‌نامه را خواندم شهید قهاری سعید خیلی برایم جذاب شد و کتابی هم از طرف انجمن سینمای دفاع مقدس به من دادند که خواندم. قبل از انجام هر کاری سرفهایی انجام دادیم تا بیشتر با شهید و هم‌زمانش از نزدیک آشنا شویم. قبل از تولید فیلم شهید قهاری سعید گمنام بود. وقتی سرخاش هم رفتیم، انتظار داشتم به عنوان فرمانده مقبره خاصی داشته باشد اما خواست اودفن شدن کنار شهدای گمنام بود و این نشانه بزرگواری اوست.

❧ کدام ویژگی شخصیتی این شهید برای شما برجسته بود و با آن ارتباط برقرار کردید؟

آقا سعید آنچه فکر می‌کرد درست است را انجام می‌داد و این ویژگی او را خیلی دوست داشتم. او دنبال بروکراسی اداری نبود. او جزو فرماندهانی بود که دوره تکاوری و غیره دیده بود و به همین دلیل بیشتر تصمیماتش درست بود. همچنین ایشان بسیار ولایت‌مدار بود و به شدت حضرت آقا، وطن و مردم را به عنوان سه ضلع یک مثلث خیلی دوست داشت. او با همین ویژگی‌ها کارهای بزرگی در شهرهای ایران از جمله یزد و آذربایجان غربی انجام داد و به جز این انسان شریف و خانواده دوست بود و به همسران و بانوان منطقه جنگی احترام خاصی می‌گذاشت. اگر می‌دید خانواده یا خانمی محدوده جنگی وجود دارند، عملیات جنگی را لغو می‌کرد و خودش به تنهایی می‌رفت که در فیلم نشان دادیم.

❧ سینمای دفاع مقدس ما به سمت پرتره‌سازی رفته و از طرفی نظر منتقدان این است که چرا این سال‌ها دائم از شهیدان پرتره ساختند. آیا این انتقاد از نظر شما به حق است یا خیر؟

**غفاری**؛ فیلم‌هایی که سینمای ایران تولید می‌کند، پرتره کاملی از یک شهید نیست و به طور قطع شما نمی‌توانید حق مطلب را در مورد تمام زندگی یک شهید ادا کنید. ساخت پرتره به معنای واقعی وظیفه سربال سازان است، چون بستر بهتری برای نمایش تولد تا مرگ یک شهید را دارد. معتقدم معنای پرتره در سینمای ایران متجلی نشده و البته ما هم مدعی نیستیم که فیلم پیشمرگ پرتره شهید قهاری سعید است. زندگی او به قدری فراز و نشیب داشته که امکان داشت هر کارگردانی از زاویه خودش فیلم را بسازد اما نیاز کشور است که چنین فیلم‌هایی ساخته شود. قبول ندارم که تعداد این نوع فیلم‌ها زیاد است، چون معتقدم جای بسیاری از شخصیت‌ها روی پرده سینما خالی است. چرافیلمی درباره شهید همت ساخته نشده است؟... بیشتر از ۵ سال از شهادت حاج قاسم می‌گذرد، اما هنوز فیلمی درباره او نساختمیم. مشکل ما بیشتر مربوط به پخش و اکران فیلم می‌شود، چون فیلم برای دیده شدن ساخته می‌شود و سانس‌های اختصاص داده شده به فیلم‌هایی نظیر پیشمرگ خیلی نامنظم و پرت است و عدالتی در این رابطه وجود ندارد. می‌توانید تعداد، سانس و ساعت‌های پیشمرگ را با فیلم‌های پر فروش دیگر مقایسه کنید. سینمای ما از طرف بسیاری از جریانات دچار کم‌لطفی و بی‌مهری از سوی بسیاری از جریانات شده و اجازه نمی‌دهند سینماگر نفس بکشد. تعداد سالن‌های سینمای اختصاص داده شده در روز چهارشنبه سوری در کل تهران فقط ۱۲ تا سانس بود. در خیلی از روزها هم می‌بینم اصلا سانس پخش نداریم یا اگر هست ۲ ساعت بعد از ظهر است. باین شرایط معلوم است که فیلم دیده نمی‌شود.

**زینال خیری**؛ سینما داراها موضوع اکران را تجاری می‌بینند اما به نظرم مشکل از سینما دار نیست، بلکه از ما مجموعه‌ای است که باید تبلیغ فیلم را به عهده بگیرد. اگر فیلمی خوب تبلیغ شود مردم از آن استقبال کنند، قطعاً سینماگر هم آن را روی پرده می‌گذارد. هیچکس همین الان نمی‌داند پیشمرگ کجا اکران می‌شود و زمانی که این تبلیغات به گوش مردم نمی‌رسد و پوستر فیلم در سینما در معرض دید مردم نیست، چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم. در جشنواره نیز همین اتفاق افتاد و دلیلی که فیلم از روز چهارم و پنجم به اکران فوق‌العاده رسید، ابراز رضایت تماشاگران و تبلیغات دهان به دهان درباره آن بود. متأسفانه بعضی منتقدان با عده‌ای از همکاران شیطنت می‌کنند که تا امروز صحبتی در این رابطه نکردم. معتقدم فیلم پیشمرگ را داووان نادیده گرفتند، چون امکان ندارد مردم از فیلمی استقبال کنند و به چشم داووان نیاید. مگر می‌شود منتقدان از یک کار صحبت کنند و کسی که بلد نیست به درستی شاهنامه را بخواند از آن بد بگوید. کارشناس برنامه هم تنها بازی یک بازیگر را دیده بود، اصلا سواد اینها از کجایم آید؟... این بی‌سوادی هاست که سلیقه‌ها را به سمت نازل می‌برد. ما با یک اثر حرفه‌ای برخورد نمی‌کنیم، بلکه شخصی صحبت می‌کنیم. نقد باید سازنده باشد، نه مسخره کننده. در واقع شخصیت کسی که به خودش اجازه می‌دهد با ادعای روشنفکری یک اثر را مسخره کند، پایین است. اگر این منتقد بتواند یک فیلم ۱۰ ثانیه‌ای خوب بسازد، می‌تواند حرفی برای گفتن داشته باشد.

شده اما براساس عده‌هایی که از سایر تهیه‌کنندگان درباره هزینه فیلمشان گرفتیم، فیلم پیشمرگ ارزان‌ترین فیلم در این ژانر بود. به هر حال گروهی درباره این شهید بزرگوار فیلم ساختند و حمایت‌های لازم نبود و خودمان دنبال بالگرد و لوکیشن رفتیم و بنیاد روایت هم براساس قرارداد بودجه را اختصاص داد و هزینه را تأمین کرد. این فیلم جنگی و اکشن در چهار استان فیلمبرداری شد و در فصلی بود که با انبوه اتفاقات مختلف روبه‌رو شدیم. همکاران عزیز خواهش می‌کنم برای بالا بردن پروژه خود، آثار دیگر را منکوب نکنند و نمی‌شود بدون آمار مستند روبه‌روی رسانه نشست و صحبت کرد. بهتر است سعی کنیم فرهنگ‌سازی نسبت به این مسائل اتفاق بیفتد.

## شاپوری: چشم بسته کارهای مرتبط با شهدا را می‌پذیریم

مهیار شاپوری، بازیگر نقش مرتضی در فیلم پیشمرگ درباره چگونگی آشنایی با این پروژه به جام جم گفت: نحوه آشنایی من با فیلم پیشمرگ از راه یکی از دوستان کارگردان بود و آقای ربیعی مرا به این پروژه معرفی کرد. البته من در دیگر کارها به جزئیات دقت می‌کنم اما در کارهای مرتبط با شهدا آن را چشم بسته می‌پذیرم. وقتی دیدم کارگردان و سایر عوامل، آدم‌های خوب و صلاحیت‌داری هستند، به پذیرش نقش ترغیب شدم؛ چون معمولاً می‌پرسم آیا کارگردان فردی خوش اخلاق است یا بد اخلاق؟... چون بسیار پیش آمده سابقه کار با کارگردانانی داشتم که تند مزاج بودند و دلمان نمی‌خواهد حرف برنیم و از سکانس‌ها عبور کنیم اما این موارد در پیشمرگ نبود. نقشم مکمل شهید قهاری و خوب بود و راهنمایی‌های آقای غفاری برای چگونگی نمایش این شخصیت نیز خیلی تأثیر داشت. قبل از این نیز تجربه همکاری در این نوع کارها- البته نه جنگی دفاع مقدسی- را داشتم و به اندازه موهای سرم نقش بازی پرس و پلیس را بازی کرده بودم. او درباره چگونگی همکاری با مهدی نصرتی نیز اظهار کرد: من با مهدی نصرتی رفاقتی قدیمی داشتم و هردو به سبک بازی یکدیگر آشنا بودیم و پارتیز مستقیم من بود و به ریتم و تمپو کار یکدیگر کمک می‌کردیم. از طرف دیگر با عبدالرضا نصاری به دلیل این‌که خوزستانی و همشهری من بود، در یک فاز قرار گرفتیم و این هم اتفاق خوبی بود که به من کمک می‌کرد. شاپوری درباره چالش‌های کار در این پروژه عنوان کرد: چالش این کار برای خودم بیشتر فیزیکی و بدنی بود؛ یعنی در کوه و کمر و پشت کفی تریلر بتوانم کارم را خوب انجام دهم. علاوه بر این، آقای غفاری هم انسان مهربان و کاربلدی است و تقریباً به آنچه می‌خواستند با دو یا سه برداشت می‌رسیدند و این باعث ذخیره انرژی گروه می‌شد. مادر کارهای قبل و بعد از پیشمرگ با شلیک و بالا و پایین رفتن از په‌لار کردیم که ۲۰ یا ۲۰ برداشت داشتند و به این شکل دیگر چیزی از بازیگر و انرژی‌اش باقی نمی‌ماند.

این بازیگر درباره چگونگی رسیدن به این نقش که به نظر تندمزاج‌تر از شهید قهاری است، گفت: اگر قرار بود این دو شخصیت، همسان باشند، ابعاد شخصیتی سعید قهاری سعید آسیب می‌دید. در واقع با مراده‌ای که سعید قهاری در فیلم با من به عنوان بازیگر دارد، ویژگی‌های شخصیتی خودش مثل عمیق‌تر و عاقلتر بودن، صبوری و طراحی نقشه حرکت نمایان می‌شد.

